



علل و راهکارهای جرم زدایی و پیشگیری از وقوع جرم

تالیف
اسفندیار شهبازی

ویراستار
مهران نجفی

انتشارات قانون یار

۱۳۹۶

سرشناسه	: شهبازی، اسفندیار، ۱۳۵۸ -
عنوان و نام پدیدآور	: علل و راهکارهای جرم‌زدایی و پیشگیری از وقوع جرم / تالیف اسفندیار شهبازی؛ ویراستار مهرا ن نجفی.
مشخصات نشر	: تهران: انتشارات قانون یار، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری	: ۱۱۴ ص.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۸۰۷۷-۹۶-۱
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
یادداشت	: کتابنامه: ص. ۱۱۱-۱۱۴.
موضوع	: جرم و جنایت — پیشگیری
موضوع	: Crime prevention
موضوع	: جرم‌شناسی
موضوع	: Criminology
شناسه افزوده	: نجفی، مهرا ن، ۱۳۶۶ - ویراستار
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۶ ش ۸/۷۴۳۱ HV
رده بندی دیویی	: ۴/۳۶۴
شماره کتابشناسی ملی	: ۴۶۸۷۵۱۲

انتشارات قانون یار

علل و راهکارهای جرم زدایی و پیشگیری از وقوع جرم

تألیف: اسفندیار شهبازی

ناشر: قانون یار

ناظر فنی: محسن فاضلی

نوبت چاپ: اول - ۱۳۹۶

شمارگان: ۱۱۰۰ جلد

قیمت: ۱۶۰۰۰ تومان

شابک: 978-600-8077-96-1

مرکز پخش: تهران، میدان انقلاب، خ منیری جاوید، پلاک ۹۲

تلفن: ۶۶۹۷۳۹۶۰ کتابفروشی رسولی (چراغ دانش سابق)

فهرست مطالب

۷	مقدمه
۹	فصل اول
۹	توصیف جرم
۲۵	فصل دوم
۲۵	تعریف جرم شناسی و اقسام آن
۴۷	فصل سوم
۴۷	درآمدی بر پیشگیری از وقوع جرم
۱۱۱	منابع و مآخذ

مقدمه

پیشگیری از وقوع جرم بعنوان جدیدترین رویکرد جرم شناختی و موثرترین راه مبارزه با جرم، امروزه جایگاه بس ارزشمندی در سیاست جنایی کشورها به خود اختصاص داده است. این جایگاه بلند در اثر ناکامی آموزه های کیفری و حتی دیدگاههای جرم شناختی علت شناسی و سایر تئوریهای جرم شناختی و شناخت ماهیت بزهکاری و عوامل موثر بر آن و در نتیجه کنترل بزهکاری بوده است.

اندیشه پیشگیری از جرم نه تنها در دیدگاههای کلاسیک و نئوکلاسیک حقوق کیفری، بلکه در نظام های سنتی حقوق کیفری نیز مطرح بوده است. ترس از رنج و عذاب ناشی از کیفر، نه تنها برای مرتکب جرم، بلکه برای دیگران نیز که اندیشه های مجرمانه در سر می پروراند، یک عامل بازدارنده محسوب می شده است و به همین دلیل بوده است که همواره شدت مجازات با اهمیت جرم و خطراتی که به دنبال داشته است هماهنگ می گردیده است.

ناتوانی و عقیم بودن حقوق کیفری در مبارزه اصولی و ریشه ای با بزهکاری و بی نتیجه ماندن پیشگیری کیفری از وقوع جرم موجب پدید آمدن رویکردهای جدیدی در مبارزه با این پدیده نامطلوب انسانی و اجتماعی شده است که تماماً ریشه در مفاهیم و آموزه های جرم شناختی دارد. جرم شناسی که با مطالعه یوزیتویستی پدیده مجرمانه پا به عرصه وجود گذاشت، پس از طی فراز و نشیب های متعدد در زمینه علت شناسی این پدیده و چگونگی مبارزه با آن، امروزه به ساحل امن جرم شناسی پیشگیری^۱ رسیده است.

^۱ - Criminology Preventive.

(این اصطلاح اولین بار توسط آقای Y. Guilbv. در مقاله ای به همین نام در نشریه « زندان و زندانیان » در سال ۱۹۶۱ مورد استفاده قرار گرفت).

فصل اول

توصیف جرم

توصیف جرم و تبیین قواعد مربوط به آن یکی از مولفه‌های آیین دادرسی کیفری توسعه یافته است که حکایت از عمق توجه واضعان قانون به حدود حقوق و آزادی اشخاص و متهمین دارد. متأسفانه قوانین ما در این رابطه صریح و روشن نیست و جای دارد مجاهدت‌های علمی لازم برای تشریح و تحلیل موضوع صورت پذیرفته تا به این ترتیب طریق تکامل آیین دادرسی کیفری هموارتر گردد. دادگرانی که عهده‌دار تنبیه تبهکاران و مجازات مجرمین هستند، قانون را معیار سنجش اعمال خوب و بد قرار می‌دهند و برآنند تا از میان انبوهی از اوامر و نواهی قانونگذار، مصدر حکمی گردند که عدالت برپا گردد و انصاف حاکم شود. وصول به این مقصود دشوار است و رهرویی می‌طلبند که مسلح به دو سلاح علم و عدل باشد.

می‌توان با تکیه بر این سلاح، از حیرت و تردید، رهایی یافت و فرشته عدالت را خشنود ساخت. تلاش برای کشف واقعیت و وصول به حقیقت، بدون آگاهی از مبانی احکام و اصول حاکم بر تفسیر قوانین بی‌ثمر خواهد بود خاصه آنکه روابط پیچیده اشخاص و فنون جدیدی که برای ارتکاب جرم مورد استفاده قرار می‌گیرد، بینش مضاعفی را می‌طلبد و نیاز به غور و تأمل را دوچندان می‌سازد. آن کس که پای بر عرصه نقض قانون می‌نهد، گاهی مرتکب عمل واحدی می‌شود که واجد عنوان واحد کیفری است و گاهی دیگر عمل واحدی است که می‌توان نام‌های متفاوتی بر آن نهاد و مرتکب آن را مجرم چند وجهی نامید و البته در برخی موارد نیز مجموعه‌ای از اعمال مجرمانه عنوان واحدی به خود گرفته و جرم واحدی را تشکیل می‌دهند.

در عمل، دادرسان کیفری، هنرمندانه واقعه را بر قاعده تطبیق داده و می‌کوشند لباس مجازات بر قامت برهنه فعل واقع شده بپوشانند و یا بر آزادی متهم مهر تایید بزنند لیکن این سخن باقی می‌ماند که متعاقب این انطباق، موضوع مشمول امر مخومه می‌گردد. آیا نمی‌توان



تحت عنوان دیگری، مرتکب همان عمل را تحت تعقیب و مجازات قرار داد؟ آیا دادرسان در توصیف جرم، چون حاکمان مختارند؟ آیا برای شکات و قضات تحقیق، نقشی در نظر گرفته شده است؟ و دیگر اینکه، طبع جرایم عمومی و خصوصی تا چه حد بر این موضوع اثر نهاده است؟

بی‌تردید زوایای تاریکی وجود دارد که باید با چراغ عقل و عدل آن را روشن ساخت. با تبیین عقاید متفاوت می‌توان طریقی را برگزید که ضامن حفظ عدالت و تامین حقوق فردی و اجتماعی باشد. نباید آزادی انسان‌ها در انبوهی از قوانین متراکم گم شود.

الف) تعاریف و مبانی موضوع توصیف جرم

جرم‌شناسی یک عمل، وسیله‌ای برای حفظ ارزش‌های انحصاری جامعه است.

آنگاه که سایر ضمانت اجراها، همچون ضمانت اجرای اخلاقی و مدنی، از حفظ یک ارزش ناتوان ماندند از قوی‌ترین ضمانت اجرای موجود یعنی ضمانت اجرای کیفری استمداد می‌شود. به این ترتیب، جرم عملی است که سبب نقض ارزش‌های اجتماعی گردیده است و وقوع آن موجب بی‌نظمی در جامعه می‌گردد. بنابراین باید بین مطلوب‌ها و خواست‌های مردم از یک سو و جرم شناختن اعمال از سوی دیگر، ارتباط وجود داشته باشد. شاید تصور شود با شناخت ارکان متشکله هر جرم، می‌توان آن را از سایر جرایم بازشناسی کرد، این اندیشه صواب سیره علمای حقوق و دادرسان محاکم در شناخت جرایم و مالا مجازات‌هاست لیکن در برخی موارد قرابت عناوین مجرمانه به حدی است که مرزهای وحدت‌نظر را درهم می‌ریزد و باب مناقشه را می‌گشاید. در اینجا مساله تشخیص عمل و مرجع آن مطرح می‌گردد.



«توصیف جرم» فرآیندی است که در نتیجه آن عنوان واقعی عمل مجرمانه چند وجهی شناسایی می‌شود. مرجع شناخت آثار چنین شناسایی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است همان گونه که طبیب حاذق «تشخیص» را مقدمه درمان دانسته و اهمیتی برابر برای آن قایل است دادرس نیز به عنوان حافظ قانون و آزادی، باید چنین احتیاطی را در تشخیص صورت داده و با تعمق در قواعد و اصولی همچون «اعتبار امر مختومه» و «توصیف جرایم» میزان دخالت دادستان و شاکی را در تعیین عنوان مجرمانه و نوع عمل ارتكابی، تشخیص دهد و بر این پایه تصمیم‌گیری کند.

ب) افعال مرتکب و توصیف جرم

رفتار مجرمانه، همواره از عمل واحد ممنوعه تشکیل نمی‌شود، برخی از جرایم، مجموعه‌ای از چند جرم مرتبط با یکدیگرند که اجتماع آنها جرم معینی را تشکیل می‌دهد. تحقق بزه «زنا» مستلزم برقراری «رابطه نامشروع» است که طبعاً بدون چنین تماس غیرقانونی، وقوع این جرم امکان‌پذیر نیست. بزه «قتل عمدی» غالباً با ورود صدمه جسمی ملازمه دارد، صدماتی که بدون حدوث قتل موجب تعلق «دیه یا ارش» است. بزه «سرقت تعزیری» از منازل مستلزم «ورود به عنف» به منزل دیگری است.

در این گونه موارد، تعیین مجازات‌های متفاوت نادرست است زیرا انجام برخی از این جرایم، مقدمه ضروری جرم دیگر است به نحوی که بدون گذر از جرم اول، نمی‌توان به جرم ثانوی دست یافت. البته چنین پیوستگی در برخی از جرایم کم‌رنگ‌تر است؛ بزهکاری که برای قاچاق آثار تاریخی مبادرت به تخریب و سرقت اثر تاریخی می‌کند، کلاهبرداری که برای بردن مال مردم اقدام به جعل سند می‌کند، مرتکب جرایم متعددی می‌شوند که برای هر یک



مجازات مستقلی تعیین شده است. شاید گفته شود در این جرایم، قصد نهایی «قاچاق اشیای عتیقه» و «کلاهبرداری» بوده است و بر این مبنا، تعیین چند مجازات متفاوت موجه نیست. نباید فریفته چنین استدلالی شد، انگیزه و غایت انجام فعل، سبب اباحه اعمال ممنوعه نمی‌گردد، ضمن اینکه جرم اولی، مقدمه ضروری جرایم ثانویه نمی‌باشد. ۱ بدی اعمال فردی که به منظور قاچاق اشیای عتیقه اقدام به تخریب و سرقت آثار تاریخی می‌کند، بدتر از عمل فردی است که صرفاً عملیات قاچاق را انجام می‌دهد.

علاوه بر این، استصحاب جرم سابق و ابقای حکم مجازات، مانع چشم‌پوشی از سزای اعمال مرتکب است.

ارتکاب فعل واحد که مشمول دو یا چند عنوان مجرمانه است، شکل دیگری از موضوع توصیف جرم است که در این حالت مرتکب تحت سیطره چند عنوان مجرمانه قرار می‌گیرد. آن کس که در تپه‌های باستانی به کند و کاو می‌پردازد و در اندیشه یافتن شیء عتیقه است از منظر قانون مشمول عناوین تجاوز به اراضی و تپه‌ها و اماکن تاریخی است.

نمی‌توان گفت چون مرتکب جرم، دو فرمان متفاوت قانونی را نقض کرده است سزاوار دو مجازات است:

شاید گفته شود سیاست سرکوبگر جزایی و نفع اجتماع، اقتضای دو مجازات را دارد. چنین بنایی قابل پذیرش نیست، مرتکب بیش از یک فعل انجام نداده است و طبعاً در قبال فعل واحد، به مجازات واحد محکوم می‌شود.